

د - دادرسی دیوان کشور (اداره مدعی عمومی تمیز) تشکیل میشود از مدعی العموم دیوان عالی تمیز و وکلای عمومی تمیز. دادرسی مزبور مافوق دادرسی استان و شهرستان و بطوریکه بعداً بیان خواهد شد جزء تشکیلات دیوان کشور میباشد.

ه - در نزد هر دادگاه در هر مرحله می دادسرایک هیئت از قضات را تشکیل میدهد که هیئت واحد و غیر قابل تقسیم هستند و در هر یک از دادگاهها هر یک از اعضاء دادسرا که حاضر شوند همیشه یک شخص واحد را معرفی مینمایند و آن شخص عبارت از دولت است و از این اصل دو نتیجه حاصل میشود.

اول - هر اقدامی که از طرف یکی از قضات دادسرا بشود بمنزله اقدام دادسراست و شخصیت افراد، مستهلك در شخصیت دادسرا میشود و بهمین جهت ممکن است هر یک از اعضاء دادسرا جانشین یکدیگر شوند مثلاً تعقیب از طرف یکی بعمل آمده و ادامه آن از طرف دیگری بعمل آید.

دوم - اعضای یک دادسرا تمام اعمالی را که رئیس آنها میدهد میتوانند انجام دهند.

و - هنگام تعقیب جرائم، قضات دادسرا را نمیتوان رد نمود و اگر چه قانون اصول محاکمات جزائی در اینخصوص ساکت است ولی این اصل را میتوان از قانون اصول محاکمات حقوقی بدست آورد؛ زیرا بموجب یکی از مواد این قانون جهات رد قضات فقط وقتی در باره قضات دادسرا اعمال میشود که قضات مزبور بعنوان مداخله تبعی در دعوی مداخله نمایند. بنابر این از مفهوم مخالف این ماده چنین بر میآید که هنگام مداخله اصلی مدعیان عمومی در دعوی که مانند یکی از متداعیین هستند نمیتوان آنها را رد نمود

ز - چون مدعیان عمومی بنام جامعه و برای حفظ منافع آن دعوی را تعقیب می نمایند موقعی که از عهده اثبات آن بر نیایند بجبران خسارت طرف محکوم نمیشوند و از بابت مخارج دعوی نباید بطرف چیزی پیردازند.

این بود مختصری از تشکیلات دادسراها در قانون فرانسه. حال باید دید تشکیلات مزبور بموجب قوانین ما بچه طریق است

تشکیلات ادارات مدعیان عمومی (دادسرا) بموجب قوانین ایران

بموجب ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین، موافق مقررات قانونی انجام وظیفه مینمایند و بموجب ماده ۵۳ همان قانون مدعیان عمومی تحت ریاست فائده‌وزیر دادگستری میباشند و چون از طرف قوه مجریه یعنی وزیر دادگستری تعیین میشوند و قانونی هم تغییر و عزل آنها منع نکرده بنابر این مدعیان عمومی قابل تغییر و عزل هستند.

بموجب ماده ۵۷ قانون اصول تشکیلات دادگستری کلیه ترتیبات و اعمال هر یار که (دادسرا) بامدعی العموم آن یار که است و وکلای عمومی و معاونین تحت ریاست و هدایت مدعی العموم انجام وظیفه مینمایند. و همچنین کلیه ضابطین دادگستری حتی قضات تحقیق (باز پرس) تحت نظارت مدعی العموم استیناف میباشند و از این ماده و سایر مواد مربوطه باین موضوع معلوم میگردد که اصل درجات و مراتب اداری نسبت بمدعیان عمومی بموجب قوانین ما هم رعایت میشود و همچنین از مراجعه بمراد ۶۰ و ۶۱ و ۶۳ قانون اصول تشکیلات معلوم میشود که اصل وحدت که در ادارات مدعیان عمومی حکمفرما می باشد در قوانین ما هم پیش بینی شده و بموجب این اصل، مدعی العموم در صورتیکه نتواند شخصاً در دادگاه حاضر شده اظهار عقیده نماید و وکلای عمومی بنام او می توانند دعاوی را تعقیب نموده و اظهار عقیده کرده و وظائف بحوله باو را انجام دهند. هیچ دادگاه جزائی بدون حضور مدعی العموم و یا نماینده او تشکیل نمیشود چنانکه از مطالعه ماده ۷۹ قانون اصول تشکیلات که می گوید (مدعیان عمومی مکلف هستند اعمالی را که متضمن خلاف یا جنحه و جنایت است تفتیش و تعقیب نمایند) و ماده ۵۰ که حاکی است از اینکه در دعاوی جزائی مدعی العموم حکم و کیل جماعت را دارد و از مفهوم مخالف ماده ۵۱ که بامدعی العموم در محاکمات حقوقی فقط در مواردیکه قانون تعیین نموده حق مداخله داده است و همچنین از سایر مواد قانون مزبور راجع بوظائف مدعی العموم و قانون اصول محاکمات جزائی در اینخصوص بخوبی ثابت و مسلم می شود که در دعاوی جزائی مدعی العموم جزء لاینفک دادگاه می باشد و تشکیل دادگاه بدون حضور مدعی العموم و یا نماینده او رسمیتی ندارد.